

زمینه های استبداد عقیدتی از منظر قرآن و نهج البلاغه

علی محمد انصاری فرد*^۱، یداله ملکی^۲^۱ گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران^۲ گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

چکیده

هر نوع خودکامگی در رأی و فرمانروایی را، استبداد می گویند. استبداد عقیدتی یکی از شعبه های استبداد است. در قرآن کریم به اشراف زورگو، مستکبر، فراعنه و مترفین، مستبد گفته می شود. استبداد عقیدتی عبارت است از: ارادت خود سرانه که منسلکین در ذی سیاست روحانیّه به عنوان دیانت، اظهار و ملتّ جهول را به وسیله فرط جهالت و عدم خبرت به مقتضیات کیش و آیین خود، به اطاعت وا می دارند و این اطاعت و پیروی چون غیر مستند به حکم الهی است، لهذا از مراتب شرک می باشد. و هم چنین می توان گفت که مقصود از استبداد عقیدتی این است که گاهی فرد در برابر تغییر اعتقاداتش، استبداد و استکبار می ورزد و گاهی نیز از طریق اعتقاداتش استبداد و استکبار می ورزد و ادّعی الوهیت می کند و انتظار دارد که مردم، او را به عنوان خدا و ربّ، تعظیم و عبادت نمایند و در برابر او سر تسلیم و بندگی فرود آورند. در قرآن کریم و نهج البلاغه به استبداد عقیدتی توّجه خاصّ شده است. آموزه توحید و خداپرستی قرآن کریم و اندیشه نورانی امام علی (ع) به هیچ وجه با استبداد و خودکامگی سازگار نیست، بلکه در سراسر قرآن و نهج البلاغه، ناسازگاری با استبداد و خودسری و خودکامگی مشاهده می شود.

کلمات کلیدی: استبداد، عقیده، مشورت، استبداد عقیدتی، قرآن، نهج البلاغه

مقدمه

در قرآن کریم و نهج البلاغه، درباره استبداد عقیدتی، آیات و سخنانی بیان شده است. اگر چه لفظ استبداد در قرآن کریم وجود ندارد، اما واژه های مرتبط با آن از قبیل: جبّار، طاغوت، علوّ، ملأ، مترف و مستکبر در قرآن به کار رفته است. در نهج البلاغه واژه استبداد به صراحت به کار رفته و در جاهای زیادی از نهج البلاغه به موضوعاتی از قبیل: اشرافیت، استبداد، استکبار، اسارت های منفی و انحطاط آور، آزادی در بیان، آزادی در اندیشه، آزادی سیاسی، اختلاف میان مسلمانان و عوامل آن، هواپرستی، خودمحوری، خودخواهی، خودپسندی، تکبر، طاغوت و طاغوتیان، جبّاران، انحطاط فکری، موانع بینش و ده ها مفهوم و موضوع دیگر که همگی بیانگر استبداد عقیدتی هستند اشاره نموده است. انسان وقتی بخواهد استبداد عقیدتی را در قرآن و نهج البلاغه بررسی و بحث نماید، راهش این است که کارنامه مخالفان انبیاء و اولیاء الهی و عمل کردهای آنان مانند فرعون و نمرود و دیگران را مورد مطالعه قرار دهد. اگر طاغوت هایی را که قرآن نقل کرده است، کارنامه آن ها و برخوردهایشان را انسان مورد